

عدم نظم تاریخی در قرآن نوعی اعجاز است

پژوهشگر قرآنی و مدرس دانشگاه الزهرا(س) با بیان اینکه اهل کتاب ذهنی مأنوس با نظم تاریخی داشتند و قرآن، نظم تاریخی ندارد پس گفتند وحیانی نیست، گفت:



پژوهشگر قرآنی و مدرس دانشگاه الزهرا(س) با بیان اینکه اهل کتاب ذهنی مأنوس با نظم تاریخی داشتند و قرآن، نظم تاریخی ندارد پس گفتند وحیانی نیست، گفت: گرچه مطالب قرآن به صورت پراکنده بیان شده است ولی به نظر بنده این دلیلی بر اعجاز قرآن و نوعی نظم بی سابقه است.

ساجده نبئی به گزارش ایکن، ساجده نبئی، پژوهشگر قرآنی و مدرس دانشگاه الزهرا(س)، ۱۸ آذرماه در نشست علمی «واکاوی الگوهای ساختارشناسانه در بررسی انسجام متن قرآنی» که از سوی گروه پژوهشی مطالعات میان رشته ای قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (س) برگزار شد، با بیان اینکه تناسب و ارتباط بین آیات قرآن از همان ابتدا مورد توجه مسلمانان بوده است، گفت: مسیحیان و پیروان تورات (یهودیان) کتاب هایی داشتند که از نظر تاریخی به صورت منظم بیان شده است ولی قرآن این تنظیم تاریخی را ندارد لذا قرآن را متهم به غیروحیانی بودن می کردند. مثلاً اگر به مطالعه سفرهای تورات پردازیم خواهیم دید به داستان انبیاء به صورت منظم می پردازد و ابتدا داستان آدم و بعد برخی انبیاء دیگر آمده است.

وی با تأکید بر اینکه در قرآن کریم داستان آدم در چندین سوره مدنی و مکی از جمله مائده و بقره و آل عمران و ... بیان شده است لذا نظم تاریخی ندارد، افزود: دانشمندان علوم قرآنی از همان ابتدا برای اثبات وحیانی بودن قرآن به تألیف نظم القرآن پرداختند که از آن جمله می توان سجستانی، واسطی معتزلی و ... را مثال زد. در قرن ۱۴ قمری معادل با قرن بیستم میلادی باز توجه به نظم در قرآن مورد توجه زیادی از سوی مستشرقان قرار گرفت و کسانی چون ریچارد بل، گلدزیهر و ... قرآن را فاقد نظم دانستند.

نبئی بیان کرد: واقعاً هم مطالب قرآن به صورت پراکنده بیان شده است مثلاً مسائل مرتبط با زنان در سوره نور و احزاب و نساء و ... بیان شده است که البته به نظر بنده این دلیلی بر اعجاز قرآن و نوعی نظم بی سابقه است.

وی با اشاره به چند الگوی زبان شناسی از سوی اندیشمندان این رشته، اظهار کرد: یکی از این الگوها از مایکل هالیدی و رقیه حسن است که این دو نفر در سال ۱۹۷۶ میلادی کتاب انسجام در زبان انگلیسی را منتشر و نظریه انسجام را برای اولین بار مطرح کردند؛ نظریه انسجام بر یک اصل ساده استوار است و می گوید عناصر یک متن با هم رابطه معنایی دارند یعنی درک یک عنصر وابسته به درک عناصر دیگر است. این دو نفر انسجام دستوری و واژگانی را دو عامل انسجام یک متن می دانند.

مدرس دانشگاه الزهرا با بیان اینکه ۱۰ سال بعد این دو نفر، نظریه پیوستگی را مطرح کردند، گفت: تفاوت بین نظریه انسجام و پیوستگی این است که انسجام عناصر پیونددهنده را در داخل متن جست و جو می کند ولی نظریه پیوستگی به بررسی عناصر برون متنی می پردازد مانند فضایی که کلام در آن منعقد شده است یا پیش فرض های ماتن که در مورد قرآن شامل اسباب و شأن نزول و ... می شود.

وی اضافه کرد: الگوی هالیدی و حسن اولین بار برای زبان انگلیسی معیار طراحی شده و اختصاص به قرآن هم ندارد ولی در مطالعات علوم قرآنی هم از این روش استفاده زیادی شده است.

الگوی نیورت

وی با اشاره به الگوی خانم نیورت با بیان اینکه مقاله ایشان را خانم نصرت نیلساز ترجمه کرده است، اظهار کرد: ایشان ساختار سور مکی را به صورت مفصل و مدنی را به صورت اجمالی بررسی کرده است؛ الگوی هالیدی و حسن بر روی یک سوره قابل پیاده شدن است ولی الگوی نیورت مقداری کامل تر است. وی، سوگندها و خوشه سوگندها چون حروف قسم، مقسم به و مقسم علیه همچنین آیات به معنای نشانه های الهی را در طبیعت و آیات عذاب بحث کرده است.

نبئی افزود: ایشان در سوره های مدنی معتقد است که دو عنصر افزوده می شود؛ یکی تشریح احکام و دیگری بازگشت به رخدادهای گذشته است که مخاطب در آن حضور داشته است مانند جنگ بدر و احزاب که به مسلمانان یادآوری شده است که در سوره های مکی این مسئله را نداریم. کما اینکه سوره های مکی عمدتاً دارای قسم هستند ولی تقریباً هیچ سوره مدنی نداریم که با قسم آغاز شوند یا کلمه «إذا» در سوره مدنی وجود ندارد ولی در سوره مکی مانند «إذا الشمس کورت» و ... وجود دارد.

وی در مورد قسم‌ها گفت که ۱۷ سوره داریم که قسم در ابتدای سوره به کار رفته است و هشت قسم در میانه سوره است مانند سوره واقعه و اظهار کرد: وی به ساختار نحوی همچنین به ساخت موسیقیایی آیات مکی توجه کرده است. در ساخت واژگانی هم به آیاتی چون «واضرب لهم مثلاً...» استناد کرده و به نحوه پراکندگی عناصر در مجموعه سور مکی پرداخته و مثلاً گفته است که عنصر جدل و مناظره در سوره‌های دوم مکی به بعد بیشتر است. در مورد قسم‌ها هم گفته است که قسم‌ها در مواردی مبهم است ولی ادامه آیه آن را توضیح داده است.

الگوی رابینسون

وی افزود: الگوی دیگر نیل رابینسون است که وی به سوره‌های بلند قرآن توجه کرده و می‌گوید انسجام قرآن در این سوره‌ها بسیار مشهودتر است. وی ابتدا سوره را معرفی می‌کند شبیه کاری که مفسران ما انجام می‌دهند؛ یعنی شأن نزول و سبب نزول و تعداد آیات و ... را گفته است؛ بعد آیات را براساس شواهد لفظی و محتوایی تقسیم بندی کرده است مثلاً آیات مرتبط با داستان حضرت ابراهیم(ع) در سوره بقره را به عنوان نمونه ذکر می‌کند یا مثلاً یک تا ۱۱ مائده را در یک دسته و ۱۱ تا ۱۳ را در یک دسته دیگر و ارتباط میان این دو را به واژه میثاق نسبت داده است. وی سپس براساس صنعت قلب(لف و نشر) ارتباط آیات را براساس تناظر بخش‌های مختلف بیان می‌کند مثلاً سوره مائده را در ۱۰ دسته تقسیم کرده و گفته است که دسته دهم با دسته اول و دسته نهم با دوم مرتبط است.

مدرس دانشگاه الزهرا(س) با اشاره به الگوی آقای خامه گر از پژوهشگران ایرانی اضافه کرد: «ساختار هندسی» و «تفسیر ساختاری قرآن» دو کتابی است که وی در این زمینه نوشته است. وی نظریه ساختار هندسی یا جامع‌گرایی سوره‌ها را مطرح کرده است که البته ریشه در نظریه وحدت موضوعی دارد که علامه طباطبایی و سیدقطب و ... مطرح کرده اند یعنی هر سوره ای ولو اینکه مانند بقره طولانی باشد یک هدف و غرض اصلی دارد و سایر موضوعات فرعی در ذیل آن غرض و هدف اصلی است. سیدقطب از غرض اصلی به ستون سوره تعبیر کرده است که ایمان بر دستورات قرآن از منظر علامه طباطبایی، هدف اصلی این سوره است برخلاف اهل کتاب که بین وحی و پیامبرانشان هم فرق قائل شدند.

وی ادامه داد: ایشان به دسته بندی آیات پرداخت که مفسرین هم این کار را در هنگام تفسیر می‌کنند یعنی غرض اصلی با مطلب کانونی در چند آیه یک سوره را به عنوان یک بخش تفسیر می‌کنند و بعد بین بخش‌های مختلف یک سوره ارتباط برقرار می‌کنند. مثلاً ایشان، سوره مبارکه بینه را به دو بخش یعنی آیات یک تا ۵ و ۶ تا ۸ تقسیم کرده و معتقد است که بین هر دسته و آیات یک دسته با دیگری ارتباط برقرار است.

الگوی رفت و پیوستگی

نئی با اشاره به الگوی خانم الاوی، افزود: وی دو نظریه رفت و پیوستگی را مطرح کرده است و ساختار سور احزاب و قیامت را به نمایش گذاشته است؛ این نظریه در الگوی خانم الاوی معادل الگوی پیوستگی در نظریه هالیدی و حسن است. پس رفت از منظر ایشان یعنی نظریه انسجام در بیرون از متن مانند مدنی و مکی بودن، تعداد آیات، جنگ و صلح و شأن نزول و ... و پیوستگی هم مربوط به درون یک سوره و آیات است. از دید وی حروف ندا، صنعت التفات و ... نشانگرهایی هستند که از محتوای سوره حمایت می‌کنند مثلاً در سوره احزاب وقتی ندا عوض شد محتوای آیات هم تغییر می‌کند. مثلاً ایشان سوره احزاب را به ۱۰ قطعه تفکیک کرده است و می‌گوید قطعه اول آیات اول تا هشتم است و چون موضوع آن قوانین روابط اجتماعی و سرنوشت اقوام پیامبران است با خطاب «یا ایها النبی» شروع و قطعه دوم یعنی از آیه نهم تا ۲۷ با خطاب «یا ایها الذین آمنوا» شروع شده است.

نئی بیان کرد: الگوی دیگر هم الگوی کوپرس است که الگوی دشوار و در عین حال شیرین است. وی در مورد علت علاقه مستشرقان به سوره مائده گفته است چون این سوره شبیه به سروده‌های حضرت زکریا است؛ وی به متن براساس تقارن‌های موجود در آن نگاه کرده است. کوپرس، ساختار موازی بین واحدهای تقسیم شده در یک سوره، ساختار حلقوی و ساختار آینه‌ای یا معکوس را در آیات یک سوره مورد توجه قرار می‌دهد؛ او سپس به تفسیر متن براساس تفسیر طبری پرداخته است و بعد وارد بحث بینامتنیت می‌شود و مراد از بینامتنیت هم توضیح یک آیه با توجه به آیه یا آیات دیگر است از این رو گفته است واژه «سبل السلام» در سروده‌های زکریا(بخشی از عهد جدید یا انجیل لوقا) هم به کار رفته است و او به این دلیل، سوره مائده را بازخوانی سروده‌های زکریا می‌داند.

مدرس دانشگاه الزهرا تأکید کرد: بنده با مطالعه این چند الگو یک الگوی ترکیبی را طراحی کردم که بیشترین شباهت را به الگوی خانم نیورت دارد. وی سوره‌های مکی را دارای واحدهای منسجم می‌دانست ولی معتقد بود که سوره‌های مدنی این انسجام را ندارند لذا بنده به همین دلیل سراغ نمایش دادن انسجام سوره‌های مدنی رفتم و به تحقیق در این باره پرداختم. در این الگو، سوره‌های مدنی به اجزای مختلف مانند توصیف آخرت و تشریح احکام و ... تقسیم و سپس ساختار شکلی و صوری این مفاهیم بررسی شد و در این بررسی به ابتدا و خواتم سوره‌ها توجه کردم مثلاً حمد الهی و قسم در سوره‌های مدنی وجود ندارد. یا

تذییل آیات از کارهای بدیعی است که در این الگو صورت گرفته است همچنین ساختار نحوی هم مورد بررسی قرار گرفته و به این نتیجه رسیدیم که در تشریح احکام از شکل های مختلف امر استفاده شده است.